

مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان

دکتر حسن سرایی^۱، سجاد اوجاقلو^۲

چکیده

ازدواج به عنوان یکی از «ارزش های خانواده» در ایران موضوع این مقاله است. از گذشته، ازدواج نزد خانواده های ایرانی اهمیت فراوان داشته و بر آن تأکید شده است. اما ازدواج در بین نسل های مختلف معنای متفاوتی داشته و نگرش بدان در حال تغییر بوده و هست. در ایران نسل های مختلف بر اساس تجربیات و حوادث تاریخی و تجربه زیسته مشترک، نگرش و برداشت متفاوت و گاهاً متضاد از مفهوم ازدواج و تشکیل خانواده با دیگر نسل ها دارند. با تکیه بر دو دسته از تئوری های غربی نظیر تئوری تغییرات فرهنگی، تئوری گذار جمعیتی دوم، تضاد نسلی و ساختاری، و تئوری های جوامع پیرامون نظیر تئوری جهان - محلی شدن، چهارچوب و مدل نظری تحقیق ساخته شده است. که بر اساس آن عواملی چون تجربه جهانی شدن بر تغییر ارزش ازدواج مؤثر بوده اند. روش تحقیق، پیمایشی و از نوع مقطعی است و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. جمعیت آماری شامل پنج نسل از زنان شهر زنجان است که بر اساس ویژگی های نسلی و دوره های تاریخی شان انتخاب شدند. این نسل ها عبارت اند از: نسل متولدین قبل از سال ۴۲، نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷، نسل متولدین ۵۸ تا ۶۷، نسل متولدین ۶۷ تا ۷۰ و نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴. بر این اساس، از هر نسل ۱۰۰ نفر و در مجموع ۵۰۰ نفر حجم نمونه این تحقیق را تشکیل داده اند. شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است و برای اینکه شانس افراد شهر در انتخاب شدن برابر باشد، بلوک ها و افراد ساکن در آنها، با احتمال متناسب با حجم (PPS) انتخاب شده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که نسل زنان متولدین ۶۷ تا ۷۴، کم ترین نمره ارزش ازدواج (۲۴،۸۵) و زنان نسل قبل از سال ۴۲، بیش ترین نمره ارزش ازدواج (۲۸،۱۰) را دارا می باشند. نتایج حاصل از آزمون فیشرف (تحلیل واریانس) به منظور سنجش معنی داری تفاوت میانگین نمره ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه نشان داد که بر اساس مقدار F محاسبه شده (۸،۳۸۶)، و مقدار معنی داری بدست آمده (sig= ۰/۰۰۰) در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با اطمینان ۹۹ درصد تفاوت میانگین ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه معنی دار است. دینداری رابطه مثبت و مستقیم و تجربه جهانی شدن رابطه منفی و معکوس بر ارزش ازدواج داشته اند.

کلید واژه ها: ارزش ازدواج، ارزش های خانواده، نسل، تجربه جهانی شدن، فردگرایی، دینداری

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۹/۱۵

۱. استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبایی hsaraie@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول) sajjadojaghlo@yahoo.com

مقدمه

تغییرات خانواده همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران علوم اجتماعی بوده است. این در حالی است که خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. «پژوهش های جامعه شناختی نشان می دهد که تغییر جوامع، ماهیت خانواده را تغییر داده است. انتظارات، پیش فرض ها درباره خانواده بطور مداوم در حال تغییر است و غیر ممکن است خانواده را بعنوان واحد جدا از گستره توسعه در ماهیت و ساختار جامعه مطالعه و بررسی کرد» (Marsh, 2000; 530). لذا نمی توان از خانواده به عنوان یک امر تغییر ناپذیر و ایستا صحبت کرد، «حتی بجای صحبت از خانواده، می بایست از «فرایندهای خانواده»، «زندگی خانوادگی» و «جریان های زندگی خانواده» صحبت کرد. با این روش بر فهم و درک اینکه زندگی خانوادگی، همیشه موضوعی است که تغییر می کند و دارای تنوع است، نائل می شویم و تغییر قلب و کانون زندگی خانوادگی است» (Morgan, 1994; 124).

بسیاری (پل ویتز، ۱۳۹۰؛ پاپنو، ۱۹۹۷) بر این باورند که در دنیای امروز غرب، نهاد خانواده تضعیف شده و حتی چیزی از آن برجای نمانده است، چرا که الگوهای ازدواج و خانواده متنوع شده است، تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده ضعیف شده است، فرزندآوری و باروری به شدت کاهش یافته است، زوج زیستی و روابط جنسی پیش و بعد از ازدواج گسترش یافته است. «برای مثال در کشور بریتانیا که در آن اشکال زندگی خصوصی با سرعت خاصی رو به دگرگونی است، بر اساس گزارش دفتر ملی آمار بریتانیا در یک مقطع زمانی در طول یک نسل، شمار ازدواج به نصف رسیده، میزان طلاق سه برابر شده و نسبت کودکانی که ثمره روابط زناشویی بدون ازدواج بوده اند، چهار برابر شده است» (بک گرنسهایم، ۲۰۰۲). دامنه این تغییرات با شدت های متفاوت به دیگر جوامع غیر غربی نیز رسیده است. در دو دهه اخیر در ایران - به عنوان جامعه پیرامونی و تأثیر پذیر و تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی - خانواده به لحاظ ساختاری، کارکردی و نیز جمعیتی، دستخوش تغییر شده است. «این تغییر از یک سو ناشی از تغییر نظام اجتماعی از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و به دنبال آن تضعیف خانواده گسترده و شکل گیری خانواده هسته ای است» (اعزازی، ۱۳۸۸: ۴۵). از این رو شکل جدید خانواده ارزش های جدیدی را نیز به همراه خود به همراه داشت، که متفاوت از ارزش های خانواده گسترده و سنتی بوده است.

خانواده از کانون های تغییرات ارزشی در جامعه است که در آن دو نسل «قدیم» و «جدید» با ارزش های مشترک و یا متفاوت هم زیستی دارند. در دوران جدید و در جوامع صنعتی، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن و به طور کلی الگوهای همسرگزینی و خانواده تحت تأثیر صنعتی شدن و به دنبال آن جهانی شدن دچار تغییر و تحول شده و در جوامع رو به توسعه، یا به اصطلاح پیرامونی با آهنگی آرام در حال تغییر است. با تغییر الگوی خانواده از گسترده به هسته ای، نحوه انتخاب همسر نیز در بسیاری جوامع تغییر کرده است، زیرا در خانواده گسترده، ازدواج یک تصمیم اقتصادی و مبتنی بر تصمیم و رأی دیگر افراد و اعضای خانواده بود، ولی با هسته ای شدن خانواده ها، ازدواج، تبدیل به یک تصمیم عاطفی و احساسی شده است. حق انتخاب آزاد همسر، آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم گیری در خانواده، عادی شدن طلاق و موارد مشابه، از جمله تغییرات ازدواج و خانواده محسوب می شود. «به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش ها و گسترش شهرنشینی، رفع محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف کاهش یافته، که به نوبه خود بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه [از جمله ازدواج] را تحت تأثیر قرار داده است» (شیخی، ۱۳۸۲: ۵۴-۵۳).

تغییر قابل ملاحظه ای که در سطح جامعه و خانواده های ایرانی به وقوع پیوسته و به دنبال خود ارزش های خانواده ایرانی را هم توانسته دگرگون کند، دگرگونی نقش و جایگاه زنان ایرانی است. در اثر دگرگونی هایی که در سطح جهانی رخ داده، نقش زنان در نهاد خانواده و سازمانهای اجتماعی، تغییرات قابل توجهی پیدا کرده است. «در اثر پیدایش ارزش ها و نگرش های جدید در میان زنان، مقاومت هایی از سوی آنها، چه در عرصه ی خانواده و چه در عرصه های مختلف اجتماعی، به علت گسترش وسایل ارتباط جمعی و فراوانی منابع ارائه دهنده اطلاعات، به صورت مبارزات اجتماعی پدید آمده، که به بازتولید ارزشهای متفاوت در باب هویت فردی و جنسیتی منجر شده است» (سیف اللهی و رازقیان، ۲۷: ۱۳۸۷). از جمله اینکه زنان در ایران بیش از گذشته با ورود به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، سرمایه فرهنگی خود را افزایش داده و تنها راه ارتقاء سرمایه فرهنگی خود را بالا بردن سطح تحصیلات تلقی کرده اند. این امر خود باعث افزایش سن ازدواج شده است که افزایش سن ازدواج خود یکی از دلایل مهم باروری پایین در جامعه کنونی ایران محسوب می شود. «حتی به باور برخی صاحب نظران، باروری و فرزندآوری در ایران به زیر سطح جانشینی رسیده است» (سرای، ۱۳۸۵: ۵۷). بسیاری تضعیف نهاد خانواده و شکل گیری «خانواده فردگرایانه» را به گذار جمعیتی دوم نسبت می دهند، که طی آن گرایش به ازدواج کم می شود. «در واقع، میزان کلی اولین ازدواج در اروپای غربی و شمالی از سال های ۱۹۶۵-۱۹۷۰ شروع به تغییر کرد و در مدت ۲۰ تا ۲۵ سال بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش پیدا کرد. در اروپای جنوبی، کاهش در ازدواج ۱۰ سال دیرتر آغاز شد، ولی حدوداً ۲۰ سال ادامه داشت. کاهش در میزان ازدواج در اروپای شرقی از ۱۹۹۰ آغاز شد و در مدت ۱۰ سال ۴۰ درصد پایین آمد (سازمان ملل ۲۰۰۳: ۳۳-۳۴). روند کاهش میزان ازدواج و میل به ازدواج تحت تأثیر این موج، به کشورهای پیرامون از جمله ایران نیز رسیده است، بطوریکه طبق آمارهای رسمی میزان ازدواج نسبت به سال های گذشته کاهش داشته و سن ازدواج نیز بالا رفته است. «آمار ازدواج در ایران و به خصوص در شهرهای بزرگ به شدت کاهش پیدا کرده و در مقابل آن آمار طلاق سیر صعودی داشته است. براساس آمارهای سازمان ثبت اسناد کشور در سال ۹۱، ۷۹۱ هزار و ۶۵۶ ازدواج به ثبت رسیده در حالی که آمارهای سال ۹۰، ثبت ۸۷۴ هزار و ۷۸۲ واقعه ازدواج را نشان می دهد. یعنی در همین یک سال ۸۳ هزار و ۱۲۶ ازدواج کمتر ثبت شده است. از طرفی میانگین سن ازدواج هم بالاتر رفته است. طبق آمار ثبت احوال کشور، میانگین سن ازدواج در مناطق شهری از مناطق روستایی بیشتر است به طوری که در سال ۹۱ میانگین سن مردان در ازدواج های ثبت شده در کشور ۲۷/۴ سال بوده که این شاخص برای مردان ساکن در نقاط شهری ۲۷/۷ سال و در نقاط روستایی ۲۶/۲ سال بوده است» (سازمان ثبت اسناد کشور، به نقل از روزنامه اعتماد: شماره ۲۷۴۱).

در نتیجه، «ارزش ازدواج» [۱] در ایران تحت تأثیر عوامل بیرونی چون تجربه جهانی شدن [۲] و عوامل درونی چون روند صنعتی شدن و تغییرات تکنولوژیکی و گسترش ارتباطات اطلاعاتی و مجازی، دچار تغییر شده است. البته روند، عوامل و خاستگاه تغییرات اجتماعی از جمله کاهش تمایل به ازدواج در ایران، متفاوت از دنیای غرب است. همزمان با روندهای مشترک جهانی، باروری در خانواده های ایرانی پایین، سن ازدواج بالا و ازدواج بر اساس تصمیم عاطفی و بر پایه عشق بوده است. از طرف دیگر، خانواده در ایران کاملاً ذوب روند تغییرات جهانی نشده است. زوج زیستی [۳]، تجربه جنسی خارج از ازدواج و فرزندآوری خارج از خانواده، همواره با مقاومت خانواده های ایرانی مواجه شده است. در تبیین این مسأله باید گفت که جامعه جدید ایران، حاصل تأثیرپذیری ایران از غرب و دنیای مدرن بوده است. این روبه روی آن چنان مهم و تأثیرگذار بوده که جامعه ایران را به مسیری متفاوت از آنچه در طی قرن ها پیموده، کشانده است. روبه رویی با غرب یا دنیای مدرن، به علت شدت و عمق تحولات ایجاد شده،

آنچنان مهم و تعیین کننده بوده است که شناخت جامعه معاصر ایران بدون توجه به آن، شناختی ناقص و حتی گمراه کننده به نظر می رسد. در جریان روبه رویی با غرب، ایده های مدرن به همراه اشیاء و مظاهر مدرنی مثل معماری، شهرسازی، نهادهای اجتماعی و کارخانه و حتی مدل های آرایش، پوشش و خوراک و غیره، سریع و پر قدرت وارد جامعه شدند و چهره آن را دگرگون کردند، به نحوی که ظاهراً هیچ شباهتی با گذشته خود نداشت. اما در حقیقت جوامعی مثل ایران، هرگز کاملاً شبیه جوامع مدرن و کاملاً متفاوت با گذشته خود نشدند. آن ها به طور هم زمان، هم عناصری از گذشته خود را حفظ کردند و هم عناصر جدیدی که از بیرون آمده بود، جذب کردند. عناصر بیرونی - از قبیل ایده ها، ارزش ها، نهادهای اجتماعی و حتی ابزارها و فنون و غیره - چیزهایی هستند که از خارج و به ویژه از جوامع تأثیرگذار، به روش ها و وسایل مختلف، وارد یک جامعه تأثیرپذیر می شوند. عناصر درونی نیز آن چیزهایی است که در جامعه تأثیرپذیر ایران وجود دارد. عناصر درونی می توانند هم بازمانده های دوره پیش از تأثیرپذیری باشند و هم عناصری که در دوره های بعدی از خارج آمده اند، اما به مرور زمان در جامعه، پذیرفته شده و تبدیل به عناصری درونی شده اند (رجوع شود به سرایی و تاجداری، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۰). لذا حضور همزمان پدیده های ناهمزمان چیزی است که خانواده ایرانی و تغییرات آن را متفاوت از غرب جلوه می کند (حضور همزمان خانواده سنتی، مدرن و پست مدرن).

وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن جنگ، روند روبه توسعه در زمینه های مختلف، تلاش برای همراهی با تجربه جهانی شدن از سوی برخی گروههای اجتماعی از جمله زنان، گسترش تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی، وابستگی خانواده ها از جمله خانواده های طبقه متوسط شهری و حقوق بگیر به درآمدهای نفتی، اصرار بر ارزش های محلی، بومی و قومی و مقاومت در برابر ارزش های فرهنگی و خانوادگی جهانی، از جمله عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر ارزش های خانواده از جمله ارزش ازدواج، در ایران از جمله در جامعه شهری زنجان هستند که نسل های متفاوت در ایران با توجه به تجربه مشترک زیسته خود و بر اساس تجربیات تاریخی که به برخی از آنها اشاره شد، هر یک به گونه ای ازدواج را درک و معنا کرده اند.

با توجه به ویژگی های جامعه شهری زنجان از قبیل؛ تجربه جهانی شدن و گسترش فردگرایی ناشی از تضعیف همبستگی اجتماعی و خانوادگی، افزایش میل به آموزش و اشتغال در بین زنان و آزادی های اجتماعی، خانواده های شهر زنجان در سال های اخیر با تغییر ارزش های خانواده روبرو شده اند. مطالعه تغییر ارزش ازدواج در بین نسل قبل از انقلاب، نسل انقلاب و جنگ و نسل بعد از انقلاب و جنگ هدف این مقاله است. نسل قبل از سال ۴۲ در ایران تجربیات متفاوت تاریخی را پشت سر گذاشته است. در سال ۴۲ اصلاحات ارضی در ایران اتفاق می افتد که تجربیات تاریخی این نسل بی تأثیر از این اتفاقات نیست، در این دوره میل شدید به ازدواج و تشکیل خانواده را شاهد هستیم. دوره زمانی از سال ۴۲ تا ۵۷ تقریباً شرایط مشابهی در زمینه ارزش ازدواج شاهد هستیم. در سال ۵۷ انقلاب اسلامی اتفاق می افتد که نقطه عطفی در تاریخ ایران است و کمی بعد از آن جنگ ایران و عراق آغاز می شود که نسل این دوره، تجربیات تاریخی متفاوتی از نسل های قبل از خود پیدا می کند. بعد از پایان جنگ، روند مدرنیزاسیون و توسعه سیاسی و اقتصادی شروع می شود و جهانی شدن شتاب بیشتری می گیرد که نسل همراه با آن تجربه تاریخی و اجتماعی کاملاً متفاوتی را تجربه کرده و می کند، در نسل های بعد از جنگ، شرایط حاکم بر ارزش های خانواده و ازدواج، شرایط تجربه جهانی شدن و همراهی با فناوری های اطلاعاتی همچون اینترنت و شبکه های ماهواره ای است و فرض بر این است که نسل های اخیر

بواسطه تجربه جهانی شدن، کمترین تمایل و گرایش را به ارزش ازدواج داشته اند. لذا تغییر ارزش ازدواج در پرتو این تغییرات تاریخی و اجتماعی ایران و در بین زنان نسل های متفاوت بررسی و مطالعه شده است.

امروزه ضرورت توجه به ارزش ازدواج، هم در جهان و هم در ایران بطور فزاینده ای احساس می شود. اکنون همه و همه جا و همیشه سخن از خانواده در میان است. دختران و پسران مجرد فراوانی، مهمترین مسئله زندگی شان تشکیل خانواده و ازدواج است. از طرفی با توجه به نرخ پایین زاد و ولد و تمایل پایین خانواده ها به فرزندآوری، کشور ما با مسأله پیری جمعیت مواجه خواهد شد. همچنین امروزه زنان و مردان زیادی با تجربه تلخ طلاق روبرو شده اند. آنها نیز ناگزیر از خانواده سخن می گویند. خانواده در طول تاریخ منشأ تحولات عظیمی بوده است، از سویی خانواده تحت تأثیر عوامل بیرونی بوده است و هم خود منشأ تغییرات بزرگ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده است. همچنان که گیدنز تصریح می کند؛ «در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی - در روابط جنسی، زندگی عاطفی، ازدواج و خانواده - در حال وقوع است. در خصوص این که ما چگونه درباره خود فکر می کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می کنیم، انقلابی در جریان است. این انقلابی است که در مناطق و فرهنگ های مختلف با سرعت های مختلف و با مقاومت های بسیار در حال پیشرفت است» (گیدنز، ۱۹۹۹: ۱).

بخشی اعظمی از ارزش های جامعه که البته مهم و جدی نیز هستند، همان ارزش های خانواده است. لذا ارزش های خانواده در ایران از جمله ازدواج امروز بیش از پیش در معرض تغییر و دگرگونی هستند. امروزه الگوهای خانواده بسیار متنوع شده است و تجربه های افراد در امور و روابط جنسی بیش از پیش گسترده شده است. رواج رفتارهایی چون زوج زیستی و تولد خارج از ازدواج و فرزندآوری پایین بدلیل ارزش گذاری پایین خانواده به فرزند و خانواده، پدیده های نوظهوری اند که در عرصه خانواده در جهان گسترش داشته اند و این تغییرات ممکن است مرزهای دیگر کشورها از جمله ایران را نیز درنوردد.

ارزش های خانواده [۴] و مطالعه تغییر این ارزشها از آن رو مهم است که روند تغییرات جامعه بستگی به چگونگی و نوع تغییر ارزش ها دارد. بررسی دگرگونی های ارزشی گروههای اجتماعی بویژه جوانان، یکی از عناصر کلیدی نظام فرهنگی جامعه به شمار می رود که شناخت آنها، نقش بسزایی در شناسایی تحولات فرهنگی دارد. مطالعه تحول و تغییر ارزشی، روشی برای شناخت تحولات اجتماعی عمده است. می توان ادعان داشت که بر اساس تحولات ارزشی، جریان تحولات آینده در جامعه چگونه است.

«تحول ارزشی، مسایل سیاسی جدیدی را به مرکز صحنه آورده و نیروی محرکه اصلی بسیاری از جنبش ها شده است. از این گذشته، به نظر می رسد خیزش پسامادیگری به تنهایی جنبه ای از فراگرد گسترده دگرگونی فرهنگی است که به گرایش های مذهبی، نقش های جنسیتی، هنجارهای جنسی و فرهنگی جوامع غرب، شکل نوینی بخشیده است» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۳).

بنابراین:

- دگرگونی فرهنگی از طریق جایگزینی نسل ها صورت می گیرد. مطالعه شکاف های ارزشی به ما در فهم مکانیسم های این تغییر و تحولات کمک می نماید.

- با توجه به اینکه تغییر و تحول امری گریز ناپذیر است، شناسایی مکانیسم های این تحول در نظام ارزشی جوانان مخصوصاً در سطح خرد و میانه می تواند امکان دستکاری در نقشه سازماندهی ساختار آینده ایران را فراهم آورد و از وقوع بی هویتی یا اغتشاش

هویتی و یا چند هویتی در بین نسل های متفاوت بکاهد و فرصت لازم را جهت تغییر و تبدیل روند های تغییر ارزشی نادرست را برای سیاست گذاران حوزه فرهنگی فراهم آورد.

- مطالعه تحول ارزشی، روشی برای شناخت تحولات اجتماعی عمده است. بر اساس تحولات ارزشی، جریان تحولات آینده در جامعه چگونه است. گرچه باید توجه داشت که تحول و دگرگونی ضرورت نیست اما این امر منجر به دوام و استمرار نظام اجتماعی می شود و در بازگشت اجتماعی و پویایی جامعه کمک می کند. پس در هر جامعه، نگاه علمی به بررسی نظام ارزشی و مسایل آن در سطوح ملی حاکی از اهمیت این موضوع است، «چرا که ارزش ها به مثابه پدیده هایی اجتماعی، یکی از مشخصه های مهم جوامع هستند که ساختار فرهنگی را شکل می دهند و در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و ... تأثیر کوتاه مدت و بلند مدت دارند» (ارمکی، ۱۳۸۳: ۲).

از این رو مطالعه ارزش ازدواج امکان درک عمیق تغییرات و تحولات جامعه و چشم انداز خانواده را فراهم می سازد و می تواند در برنامه ریزی های و سیاست گذاری های حوزه خانواده موثر باشد. از این رو هدف این مقاله بررسی و مقایسه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران و در بین خانواده های شهر زنجان است.

ادبیات تحقیق و چهارچوب نظری

مطالعه ارزش های خانواده [۴] از جمله ازدواج، بدون توجه به تغییرات خانواده در چند دهه اخیر در ایران، بی اعتبار و بی اثر خواهد بود. لذا می بایست ارزش های خانواده ذیل تغییرات کلی خانواده بررسی و ارزیابی شود. برای تجزیه و تحلیل وضعیت خانواده در ایران باید روند تحولات اجتماعی، فرهنگی جامعه ایران را در صد، صد و پنجاه سال اخیر در نظر داشته باشیم. زیرا خانواده مقوله ای متنوع و جدای از فرهنگ و کلیت جامعه نیست و خانواده هسته اصلی تحولات جامعه ایران را تشکیل می دهد. مطالعه خانواده و تغییر ارزش های آن در ایران، می بایست هم متوجه ساختار (عوامل و متغیرهای ساختاری و کلان ملی و فراملی و جهانی) و هم عاملیت (شرایط و عوامل فرهنگی و محلی و منطقه ای) باشد. تغییر ارزش های خانواده در ایران، از یک منظر نتیجه تحولات اساسی در تکنولوژی بوده است، تحولات تکنولوژیکی، دگرگونی ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی در جامعه را رقم زد و به دنبال آن خانواده و ارزش های آن به عنوان یک عنصر و مؤلفه جامعه، تغییرات اساسی به خود دید.

با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی و دیگر مؤلفه های تشکیل دهنده جامعه ایران بعد از انقلاب (بعنوان عوامل درونی) و نیروها و عوامل جهانی (بعنوان عوامل بیرونی) به مطالعه ارزش ازدواج و تغییرات آن در ایران پرداخته شده است. مروری بر تئوری ها و تحقیقات انجام یافته قبلی در داخل و خارج ایران نشان می دهد که مشخصاً در خصوص ارزش های خانواده کار چندان قابل اعتنایی انجام نیافته است. لذا مطالعه حاضر در خصوص ارزش های خانواده و ازدواج در ایران، نه بر مبنای نگاه تئوری پردازان غربی است که فقط نقش نیروها و فشارهای جهانی را بر روی خانواده می بیند و از نقش عوامل بومی و محلی و مقاومتی که در برابر این فشار جهانی شدن می شود، غفلت می ورزد و نه بر مبنای تئوری پردازانی است که بر خانواده سنتی و ارزش های آن تأکید می ورزند و کمتر پذیرای تغییرات بوجود آمده در خانواده ایرانی هستند، بلکه این مطالعه بر مبنای راه سومی است که می خواهد خانواده و و تغییر ارزش ازدواج را در ایران و در بین نسل های مختلف تاریخی از منظر ایرانی - جهانی بررسی و مطالعه کند.

طبق تئوری تجدد (مدرنیته)، معمولاً روند تحولات اجتماعی، به وضعیتی سنتی، مدرن و پسامدرن طبقه بندی می شود. این طبقه بندی هم معنای تاریخی دارد و هم لزوماً به معنای تاریخی نیست. یعنی حالت ها و وضعیت های اجتماعی معینی را تعریف می کند

که می توانند هم زمان باهم باشند. یعنی روند تحولات اجتماعی، لزوماً خطی نیست که اول سنتی، بعد مدرن و در نهایت، پسامدرن باشد. از این رو در شرایط کنونی ایران، همزمان می توان سه نوع خانواده را از هم تفکیک کرد. خانواده سنتی، متجدد(مدرن) و پسامدرن.

خانواده سازگار با دوره سنتی (سنت)، خانواده گسترده است. چرا که با ویژگی های دوره سنتی همچون غلبه احساسات و عواطف، پدرسالاری و پیرسالاری، تفکیک ناپذیری نقش ها و وظایف و تقسیم کار جنسی، این نوع خانواده همخوانی داشته و کارکرد دارد. اگر مدرنیته با توسعه فرایندهای عقلانی شدن، شهرنشینی، صنعتی شدن، دموکراتیک شدن و تفکیک پذیری نهادی شناسایی شود، خانواده متناسب و سازگار با آن خانواده هسته ای یا خانواده هسته ای تکمیلی [۵] است.

دوره پسامدرن هم که با ویژگی هایی چون، مصرفی شدن، اطلاعاتی شدن، شبکه ای شدن شناخته می شود، خانواده سازگار با آن خانواده متکثر یا خانواده هسته ای مشارکتی [۶] است.

از این رو، از سویی می توان ادعا کرد که خانواده در ایران همگام با تحولات اجتماعی و فرهنگی و تکنولوژیکی، هم به لحاظ کارکردی و هم به لحاظ ساختاری دچار تغییر شده است و از سویی، می توان مدعی شد که خط سیر و دگرگونی در خانواده های ایرانی خطی نبوده و هر دوره تاریخی و اجتماعی صرفاً بر اساس نوع خاصی از خانواده قابل شناسایی نیست. در ارتباط با الگوهای همسرگزینی، ازدواج، فرزندآوری، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده، نگرش نسبت به طلاق، صمیمیت و روابط جنسی، هر سه نوع الگوی خانواده، قابل مشاهده است. لذا خانواده کنونی در ایران، از نوع ترکیبی است.

با توجه به نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت، توسعه اقتصادی و گسترش رسانه های جمعی در ایران در سال های اخیر تغییراتی را در اولویت ارزشی افراد و گروه ها بوجود آورده است. ایده ی وی روشن می سازد که چگونه توسعه اقتصادی و رشد تکنولوژیک و ارضای نیازهای اساسی در جامعه به ظهور نیازهای غیرمادی مانند عزت نفس و خودشکوفایی و دستیابی به منزلت اجتماعی در بین جوانان و نسل حاضر شده است (هرچند که هنوز جمعیت قابل توجهی از افراد جامعه ما هنوز درگیر برآوردن نیازهای اولیه خود بوده و در تعقیب نیازهای مادی اند). «فرضیه کمیابی و اجتماعی شدن دلالت بر این دارند که در نتیجه رونق اقتصادی که از سال ۱۹۴۵ در کشور های غربی به وجود آمد، نسل جوانان، اهمیت کمتری بر امنیت اقتصادی و جانی قائل هستند تا گروه های مسن تری که بسیار بیش از آنها طعم عدم امنیت اقتصادی را چشیده اند. این مساله نیز حائز اهمیت است که بر خلاف افراد مسن تر، نسل جوان بیشتر تمایل دارند، اولویت ها را به نیازهای غیرمادی مانند کیفیت زندگی و درک عمومی بدهند. از دید اینگلهارت، فرضیه کمیابی به دگرگونی های کوتاه مدت و فرضیه اجتماعی شدن بر آثار بلند مدت نسلی اشاره دارد. این دو فرضیه با هم مجموعه به هم پیوسته ای از پیش بینی های مربوط به دگرگونی ارزش ها را پدید می آورند» (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۸۵).

نتیجه این وضعیت، تفکیک نسل های مختلف تاریخی از حیث نوع ارزش گذاری بر ازدواج است. برای نمونه نسل متولدین دوره انقلاب و جنگ، با توجه به تجارب تاریخی از جمله انقلاب و جنگ و تغییر ساختارهای اقتصادی، نوع نگاهشان به ازدواج و اهمیت آن در زندگی متفاوت از نسل های بعد از جنگ و انقلاب است. همین طور نسل متولدین سال های قبل از انقلاب نگرش شان نسبت به ارزش ازدواج متفاوت از نسل های بعد از انقلاب است. نسل های بعد از انقلاب و جنگ در ایران بیشتر طالب کیفیت زندگی و به نظر گریزان از برخی ارزش های خانواده همچون تمایل به ازدواج و به دنبال آن فرزندآوری هستند و هر چه به دوره

های اخیر نزدیک می شویم شدت تأثیر جهانی شدن بیشتر شده و ازدواج معنای سنتی و قدیمی خود را از دست داده و معنای جدیدی در بین این نسل ها پیدا می کند.

دیدگاه بورديو در تحليل تغيير ارزش های خانواده از آن رو مهم و جدی است که بورديو خانواده را به عنوان مهمترین مکان انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می بیند (بورديو، ۱۹۹۹: ۳۳). طبق دیدگاه بورديو، تغيير و تفاوت ارزشی بین نسلی خانواده ها در ایران، ناشی از رقابت بر سر دستیابی به انواع سرمایه در میدان ها و عرصه های مختلف اجتماعی است. جوانان در تلاش برای رسیدن به تحصیلات و مدارج علمی تلاش وافر از خود نشان می دهند، بویژه زنان تنها راه دستیابی به سرمایه فرهنگی و برهم زدن سلسله مراتب قدرت در خانواده را افزایش آگاهی از طریق ورود به دانشگاه و کسب مدارک تحصیلی بالا می دانند. از این رو این افزایش آگاهی و کسب مدارک علمی و تحصیلی در شرایط نبود دیگر شرایط لازم از جمله آزادی زنان در جامعه، تغییرات ارزشی در بین خانواده ها را منجر شده است.

بر این اساس در جامعه ایران، شاید بتوان گفت که در یک دهه اخیر زنان بیشتر از سایر گروه ها، منشأ تغییر ارزش های خانواده و ازدواج بوده اند. اشتغال زنان، که به نوعی کسب سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میدان زندگی برای آنان محسوب می شود، باعث دگرگونی نقش های ثابت سنتی «مرد نان آور» و «زن خانه دار» شده و زنان هویت جدیدی کسب کرده اند که این هویت جدید نه تنها سلسله مراتب قدرت در خانواده را برهم زده، بلکه باعث شکل گیری ارزش های متفاوت و جدیدی هم شده است. در یک دهه اخیر، گرایش زنان به آموزش در سطوح عالی و به تبع آن تصاحب فرصت های شغلی، باعث تغییر ارزشی و نگرشی آنان نسبت به مقولاتی چون ازدواج شده است. سن ازدواج زنان در ایران در اثر اشتغال و تحصیل تا اندازه ای بالا رفته است و این بالا رفتن سن ازدواج زنان همراه با برخی عوامل دیگر از جمله برهم خوردن تعادل جنسیتی، منجر به مسأله «مضيقه ازدواج» شده است. پیامد دیگر بالا رفتن ازدواج زنان، فرصت محدود برای فرزندآوری است. در همین راستا، ارزش های خانوادگی دیگری از قبیل پیوندهای خانوادگی و روابط خویشاوندی در اثر اشتغال و تحصیل زنان به عنوان مکانیسم های کسب سرمایه اجتماعی و فرهنگی در «میدان» های دانشگاه و اشتغال و تولید و خدمات دگرگون شده اند.

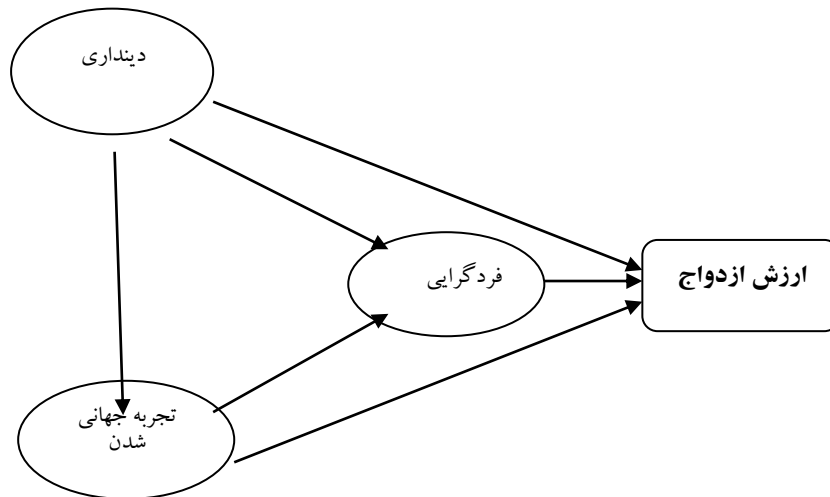
بر اساس تئوری گذار جمعیتی دوم، نقش ازدواج به عنوان سازمان دهنده بنیادی زندگی خانوادگی، بطور قابل ملاحظه ای در سراسر جهان کاهش داشته است. قوانین طلاق لیبرالیزه و آسانگیر شده است. نقش زنان و مردان با مشارکت زنان در آموزش، دانشگاه و کار دگرگون شده است. تولد بچه هایی در خارج از ازدواج رو به فزونی است، نگرش ها بیش از پیش به سمت نقش های جنسیتی برابری طلب در حرکت است، جنسیت و فرزندآوری با استفاده از وسایل ضد آبستنی، عقیم سازی و سقط جنین، در سطح وسیع و قابل دسترسی، تحول یافته است، سطح باروری پایین آمده است و هنجارها در برابر بی فرزندی داوطلبانه زوج های ازدواج کرده، به طور قابل ملاحظه ای ضعیف شده اند و تفکر مستقل در بین جوانان بطور فزاینده ای به یک ارزش مبدل شده است.

« کشورهایمانند مالی، بورکینافاسو، عراق، زامبیا و ... که در مراحل ابتدایی گذار جمعیتی اول هستند خانواده گرایی در بین آن ها زیاد و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در آن ها مثبت است، اما در کشورهایی که در مرحله دوم گذار جمعیتی هستند مانند سوئد، فنلاند، فرانسه و ... خانواده گرایی پایین و نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده منفی است. روند تغییرات ازدواج و نگرش نسبت به خانواده و ازدواج در کشورهایی مانند ایران، ترکیه، مصر، مالزی و ... نشان می دهد که نقش عوامل فرهنگی

بویژه آموزه های اسلامی در خانواده گرایی و تشکیل خانواده مهم است. بنابراین، روند گذار جمعیتی دوم تک خطی نیست و بر حسب ساختار فرهنگی کشورها متفاوت است» (احمدی، قاسمی و کاظمی پور، ۱۳۹۱). تغییر ارزش های خانواده از جمله ازدواج و فرزندآوری در جوامع غیر غربی (از جمله ایران) هم علی رغم تفاوت های فرهنگی، قابل ملاحظه و چشمگیر است. تغییر از خانواده گسترده به هسته ای، تغییر از خانواده گرایی به فردگرایی، تغییر از کنترل خانواده به استقلال جوانان، تغییر از ازدواج های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج های بر اساس عشق و انتخاب، تغییر از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، از ازدواج جهانی (عمومیت ازدواج) به داشتن پتانسیل برای مجرد گسترده، تغییر از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، تغییر از تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر، افزایش جنبش های فمینیستی و زنان با تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان، هم در خانواده و هم در عرصه عمومی از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است. به اعتقاد برخی (از جمله ون دوکا و سرایی) گذار جمعیتی دوم، الزاماً ادامه دوره گذار جمعیتی اول نیست و برای ورود به گذار جمعیتی دوم، لزماً نباید گذار جمعیتی اول تکمیل شده باشد. نشانه هایی از ورود ایران به مرحله گذار جمعیتی دوم مشهود است، از جمله اینکه؛ در ایران فرزندآوری و باروری طبق آمار گزارش شده، در سال های اخیر پایین آمده و به سطح جانشینی و زیر جانشینی رسیده است (عباسی شوازی، حسینی چاوشی، نوراللهی و بنی هاشمی؛ ۱۳۸۷). لذا تحت تأثیر گذار جمعیتی دوم و با در نظر گرفتن موقعیت جامعه ایران، برخی ارزش های خانواده در ایران دچار تغییراتی شدند از آن جمله؛ نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده تاحد زیادی تغییر کرده است، سن ازدواج بالا رفته است و همین بالا رفتن سن ازدواج نشانه تغییر در نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده است و ارزش فرزند و فرزندآوری به شدت تغییر یافته است. بر اساس تئوری های جهانی شدن و جهان محلی شدن، خانواده همراه با دیگر اجزاء و عناصر جوامع در سرتاسر جوامع، تحت تأثیر جهانی شدن تغییر یافته است. جهانی شدن ساختار و کارکرد خانواده امروزی را دگرگون ساخته است. خانواده گسترده را به خانواده هسته ای مدرن و حتی خانواده متکثر پست مدرن تبدیل کرده است. الگوهای خانواده را به شدت دگرگون و متنوع کرده است. اشاعه این الگوهای خانوادگی متکثر را تسهیل نموده است. از مفهوم جهان بودگی رابرتسون که به معنای آگاهی فزاینده از جهان به عنوان یک کل است، می توان آگاهی از تنوع و تکثر خانواده امروزی را در مردمان جهان دید. آگاهی از اینکه خانواده، به شکل های دیگر خارج از نظام هنجاری و نظام عرفی پذیرفته شده می تواند وجود داشته باشد. جهانی شدن، ارزش های خانواده را دگرگون نموده است. بسیاری از افراد در کشورهای مختلف از جمله در ایران، این فشار جهانی شدن را احساس می کنند. اما جهانی شدن روی دیگری نیز دارد، یعنی جهان محلی گرایی یا جهان محلی شدن. کشورها و جوامع پیرامون و تأثیر پذیر از جمله ایران، در برابر فشار و سلطه کشورها و جوامع مرکز (کانون) تسلیم محض نمی شوند. فرهنگ های محلی و بومی از خود در برابر این فشار و همگون شدن و ذوب شدن در فرهنگ جهانی، مقاومت نشان می دهند. این همان چیزی است که رابرتسون بدان سلطه و فشار از مرکز و مقاومت از پیرامون می گوید. خانواده در ایران تحت تأثیر جهانی شدن، تغییر شکل یافته است. نقش های جنسیتی دگرگون شده است. اقتدار مردان در برابر اقتدار زنان کاهش یافته است. میل به ازدواج و تشکیل خانواده ضعیف شده است، سن ازدواج بالا رفته است و میزان باروری و فرزندآوری به پایین ترین حد خود رسیده است.

با مروری بر تحقیقات انجام یافته در خصوص خانواده و ارزش های آن در کشورهای پیرامون، می توان دریافت که شباهت های زیادی در حوزه هایی چون خانواده و عوامل مؤثر بر تغییر ارزشهای خانواده در کشورهای پیرامون وجود دارد. تحقیقات انجام یافته در این کشورها نشان می دهد که برخی از ارزش های خانواده در این کشورها حفظ، برخی تداوم و در حال تغییر و برخی هم بطور

کلی تغییر کرده اند. در این کشورها از جمله ایران عواملی چون انقلاب، دولت و نهادهای سیاسی، مدرنیزاسیون و اقدامات توسعه ای، عرفی شدن (سکولاریزاسیون) تضعیف دینداری، استقلال افراد و فردگرایی و فرایندهای جهانی همچون تجربه جهانی شدن و رسانه ها، در تغییر ارزش های خانواده در این کشورها موثر بوده اند.



شکل ۱: مدل نظری تبیین ارزش ازدواج

فرضیه ها:

- نسل های مورد مطالعه، ارزش ازدواج متفاوتی دارند. نسل متولدین قبل از انقلاب ارزش ازدواج بالا و نسل متولدین بعد از ارزش ازدواج پایین تری دارند.
- بین تجربه جهانی شدن و تغییر ارزش ازدواج رابطه معکوس وجود دارد. نسل هایی که بیشتر در معرض تجربه جهانی شدن هستند، ارزش ازدواج کمتری نیز دارند.
- بین فردگرایی و تغییر ارزش های ازدواج رابطه معکوس وجود دارد. هر چه فردگرایی بیشتر شود، ارزش ازدواج کمتر می شود.
- بین دینداری و تغییر ارزش های ازدواج رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. نسل هایی که دینداری بیشتری دارند، ارزش ازدواج بیشتری نیز دارند.

روش پژوهش:

از نظر نوع تحقیق، این مطالعه در دسته تحقیقات بنیادی و تا حدودی کاربردی و همچنین بر اساس نحوه گردآوری و تحلیل داده ها، توصیفی و از نوع پیمایشی است. روش تحقیق مورد استفاده پیمایش [۸] است. از انواع پیمایش، از روش بررسی مقطعی [۹] بهره گرفته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است.

با توجه به موضوع تحقیق حاضر که مطالعه و سنجش تغییر ارزش ازدواج در بین نسل های مختلف از خانواده های شهر زنجان است، جمعیت آماری مورد مطالعه، جمعیت زنان و دختران بالای ۱۸ سال شهر زنجان است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران جمعیت زنان بالای ۱۸ سال شهر زنجان بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، حدود ۱۳۷۰۹۳ نفر است. تعداد نمونه با استفاده از فرمول تعیین نمونه کوکران و با استناد به میزان پراکندگی صفت مورد مطالعه در جامعه با استفاده از پیش آزمون و برآورد واریانس، به تعداد ۵۰۰ نفر تعیین شده است.

این مطالعه تغییر ارزش ازدواج را در بین ۵ نسل و بر اساس تجربه های تاریخی متفاوت هر کدام از آنها و در بین خانواده های شهر زنجان بررسی می کند. این نسل ها (نه گروه های سنی) با توجه به تجربه تاریخی خود انتخاب شده اند. بر این اساس نسل های مورد مطالعه در ایران با توجه به حوادث و تجربه های تاریخی که داشته اند به ۵ گروه زیر تقسیم شده اند.

۱- نسل قبل از اصلاحات ارضی (متولدین قبل از سال ۴۲)

۲- نسل قبل از انقلاب (متولدین سال ۴۲ تا ۵۷)

۳- نسل انقلاب و جنگ (متولدین سال های ۵۸ تا ۶۷)

۴- نسل بعد از انقلاب و جنگ و در معرض جهانی شدن (متولدین سالهای ۶۷ تا ۷۰)

۵- نسل شدیداً در معرض جهانی شدن (متولدین سال های ۷۱ تا ۷۴)

بر اساس نسل های فوق، گروه های سنی زیر مطرح است.

۱- گروه سنی ۵۰ سال به بالا

۲- گروه سنی بین ۳۵ تا ۴۹ سال

۳- گروه سنی بین ۲۶ تا ۳۴ سال

۴- گروه سنی بین ۲۲ تا ۲۵ سال

۵- گروه سنی بین ۱۸ تا ۲۱ سال

لذا در هر بلوک با انتخاب یک نفر از هر یک از نسل ها، مصاحبه (تکمیل پرسشنامه) صورت گرفته است.

روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و تصادفی ساده است. برای اینکه شانس افراد شهر در انتخاب شدن برابر باشد، خوشه ها (بلوک ها) با احتمال متناسب با حجم (PPS) [۷] انتخاب شدند. «در بررسی نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای فرض بر این است که خوشه ها متساوی الحجم اند. عملاً خوشه ها در طبیعت و جامعه از حجم نابرابری برخوردارند. این نابرابری در حجم خوشه ها مشکلاتی به بار می آورد و بر حجم نمونه تأثیر می گذارد. اگر خوشه هایی که انتخاب می گردند بیشتر از خوشه های بزرگ باشند، نمونه ای که عملاً بدست می آید، بزرگ تر از نمونه ای است که از قبل تعیین شده است. بطور کلی در نمونه گیری خوشه ای اگر خوشه ها متساوی الحجم نباشند، یا متساوی الحجم نشوند، محقق کنترلی روی حجم نمونه نخواهد داشت» (سرای: جزوه درسی). در نتیجه تعداد ۱۰۰ بلوک با روشی که توضیح داده شد، انتخاب و از هر بلوک تعداد ۵ خانوار با روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند تا حجم نمونه پیش بینی شده را پوشش دهند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته: ارزش ازدواج

کولین (۱۹۹۴) ارزش های خانواده را چنین تعریف می کند: «کیفیت هایی که هسته خانواده را تعریف می کنند و پیوند مادام العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می کنند. به سخن دیگر ارزش های خانواده که اموری بسیار مهم اند، موجب استحکام بنیان خانواده می شوند. این متغیرها و ارزش ها عبارتند از: ازدواج، محبت، تک همسری، وظیفه شناسی، پاکدامنی، پرهیزکاری، ایمان به خدا و سخت کوشی و فرزندآوری» (کولین، ۱۹۹۴: به نقل از حسین بیگی: ۱۳۸۳). در این مطالعه، ارزش ازدواج مورد مطالعه است. برای سنجش ارزش ازدواج، از اجزا و عناصری چون: تغییر نگرش نسبت به ازدواج و خانواده، ارزش سن ازدواج بالا، ارزش تجردگرایی، ارزش دوام ازدواج، ارزش فرزندآوری خارج از ازدواج، ارزش ازدواج های مبتنی بر عشق و انتخاب، ارزش معیارهای خانواده برای ازدواج استفاده شده است.

عملیات تحلیل عاملی بر روی پرسشنامه اجرا شد که در نتیجه آن عبارت هایی که مربوط به یک عامل بودند و فضای مفهومی متغیر ها را پوشش می دادند، حفظ و عبارت هایی که بار عاملی کمتری داشته و مفهوم ارزش ازدواج را دلالت نمی کردند از پرسشنامه و تحلیل حذف گردیدند که نتیجه نهایی در جدول ۱ مشاهده می شود.

جدول ۱: شاخص های ارزش ازدواج و نتایج حاصل از تحلیل عاملی و پایایی

پایایی	بارعاملی	عامل ها
۰/۸۰	۰/۵۶	انتخاب دختر بین ادامه تحصیل و ازدواج
	۰/۵۰	انتخاب دختر بین اشتغال و ازدواج
	۰/۵۱	افراد ازدواج کرده خوشحال تر از مجردها
	۰/۵۵	ازدواج آغاز عشق واقعی
	۰/۵۰	دیر ازدواج کردن جوان
	۰/۵۲	ناپسندی زندگی دو نفر با هم بدون ازدواج
	۰/۶۴	ازدواج سنگ بنا و اساس خانواده
	۰/۵۳	ناپسندی زندگی مشترک دو نفر بدون ازدواج
	۰/۷۳	داشتن روابط صمیمی و جنسی پیش از ازدواج
	۰/۵۸	لزوم ازدواج دختر یا پسر در سن مناسب
	۰/۵۶	لذت بردن از دوره مجردی بجای ازدواج
	۰/۵۰	نداشتن شرایط دست و پا گیر دوره مجردی

متغیرهای مستقل

فردگرایی

منظور از فردگرایی این است که افراد بجای اولویت دادن به خواست ها و علایق جمعی، سنتی و خانوادگی به ارزشها و خواست های فردی خود اولویت می دهند. در فردگرایی همه قوانین و احکام جمعی بر حسب احکام فردی (انگیزه، قدرت، اعتقاد، قابلیت های فردی و...) توصیف می شوند (لیتل، ۱۳۷۳، ۳۱۶). در این تحقیق فردگرایی با دو بعد خود محوری و آزادی انتخاب و با شاخص هایی چون؛ تمایل به داشتن فرزند کمتر، کیفیت زندگی، انتخاب آزادانه همسر، عدم شرکت در آیین های خانواده، روابط جنسی آزاد، قدرت انتخاب طلاق، مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۲: شاخص های فردگرایی و نتایج حاصل از تحلیل عاملی و پایایی

پایایی	بارعاملی	عامل ها
۰/۸۱	۰/۵۳	مهم نبودن همراهی با خانواده
	۰/۵۰	مهم نبودن صرف غذا همراه با خانواده
	۰/۵۸	پاسخگو بودن خانواده در قبال فرد
	۰/۷۹	اولویت نیازهای فردی نسبت به نیازهای خانواده
	۰/۵۹	کمک به خانواده در صورت رفع نیازهای فردی
	۰/۵۵	ترجیح منافع مالی و مادی خود نه خانواده
	۰/۶۹	انتخاب آزادانه همسر
	۰/۷۳	مهم نبودن نظر فرد در انتخاب همسر آینده
	۰/۷۰	آزادی داشتن ارتباط با جنس مخالف

دینداری

دینداری به معنای داشتن اهتمام دینی است (همیل فارب، ۱۹۷۷) به نحوی که نگرش، گرایش و کنش های فرد تحت تأثیر آن قرار می گیرد. «در تعریف مفهومی دینداری از چهار بعد تجربی، اعتقادی، مناسکی و اخلاقی استفاده شده است. تجربی: ناظر بر تجربیات زندگی معنوی که برای اشخاصی که به آن نایل می شوند این احساس ایجاد می شود که با خدا در ارتباط هستند.

اعتقادی: ناظر بر اعتقادات به واقعیت الوهیت و امور متعلق بدان است. خدا و شیطان و ...
 اخلاقی (استنتاجی): ناظر بر اجرای اصول و فرامین دینی در زندگی روزمره است: عفو، درستکاری، راستگویی» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰: ۱۱۷).

مناسکی: کلیه اعمالی که از تجربه دینی مایه گرفته یا با تجربه دینی مشخص می شوند، همه در حکم بیان عملی مناسک هستند. به بیان محدودتر مناسک عمل یا اعمال پرستش انسان دیندار است (واخ، ۱۳۸۷: ۲۶). سنجش دینداری پاسخگویان با الهام از مدل کلاک و استارک انجام یافته است.

جدول ۳: شاخص های دینداری و نتایج حاصل از تحلیل عاملی و پایایی

پایایی	بار عاملی	عامل ها
۰/۸۰	۰/۶۰	احساس خدا در زندگی
	۰/۶۲	ناظر اعمال بودن خدا
	۰/۵۹	نقش مؤثر خدا در زندگی
	۰/۵۸	آرام بودن با یاد خدا
	۰/۶۷	ترس نداشتن از مرگ با یاد خدا
	۰/۷۲	صلاح انسان ها بدست خدا
	۰/۶۳	تردید نداشتن در مورد وجود خدا
	۰/۵۹	اعتقاد به وجود شیطان
	۰/۶۵	اعتقاد به جهان آخرت
	۰/۶۳	اعتقاد به عذاب و پاداش الهی
	۰/۷۱	اعتقاد به نیروهای غیبی
	۰/۷۴	دروغ به مصلحت گفتن
	۰/۶۸	بجا آوردن نمازهای یومیه
	۰/۶۵	ذکر دعاهای معروف
	۰/۶۴	بجا آوردن نذر و نیاز
۰/۵۸	زیارت اماکن متبرکه	
۰/۵۹	شرکت در مراسم های مذهبی	

تجربه جهانی شدن:

جهانی شدن به معنای عام شدن خاص و خاص شدن عام است (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۱۷). به تعبیری جهانی شدن در هم فشرده شدن زمان و مکان و بی اعتباری معنای سنتی مکان و زمان است و گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۸۰). تجربه جهانی شدن ارتباط با دیگر مناطق جهان و آگاهی فزاینده درباره رویدادها و مسائل جهان است. در این تحقیق یکی از

عوامل موثر بر تغییر ارزش های ازدواج، جهانی شدن است که برای سنجش آن از شاخص هایی چون استفاده از رسانه هایی چون اینترنت، استفاده از شبکه های اجتماعی چون فیس بوک و توییتر و استفاده از شبکه های ماهواره ای استفاده شده است.

یافته های تحقیق :

یافته های این تحقیق در سه سطح بیان می شود:

یافته های توصیفی

جدول ۴: میانگین نمره میزان موافقت با عبارت های ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه

میانگین نمره میزان موافقت با عبارت های ارزش ازدواج	نسل
۵۹,۲۵ درصد	نسل متولدین سال های ۶۷ تا ۷۰
۶۰,۵ درصد	نسل متولدین سال های ۶۷ تا ۷۰
۶۳ درصد	نسل متولدین سال های ۵۸ تا ۶۷
۶۶ درصد	نسل متولدین سال های ۴۲ تا ۵۷
۷۳,۵ درصد	نسل متولدین سال های قبل از ۴۲

لذا با این توصیف پایین ترین سطح ارزش ازدواج در بین نسل متولدین سال های ۶۷ تا ۷۰ است. بالاترین سطح ارزش ازدواج مربوط نسل متولدین سال های قبل از ۴۲ که گروه سنی بالای ۵۰ سال را تشکیل داده اند، می باشد. به نظر می رسد در نسل های مربوط به پیش از انقلاب نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در حد قوی و در نسل انقلاب و جنگ، تاحدی متوسط و در نسل های بعد از انقلاب و جنگ که بیشتر از سایر نسل ها در معرض تجربه جهانی شدن و گسترش فناوری های اطلاعاتی بوده اند، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده و بطور کلی ارزش ازدواج نسبت به سایر نسل ها پایین است.

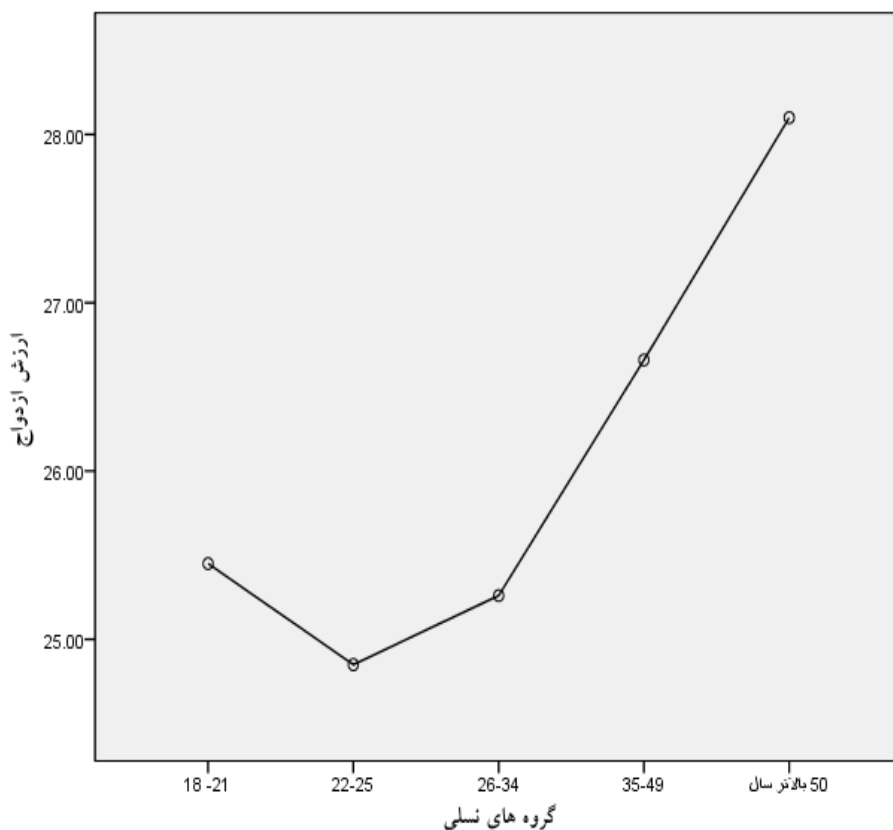
مقایسه نسل ها

جدول ۵: تفکیک گروه های همگن از لحاظ تفاوت میانگین متغیر ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه

ازدواج			تعداد نمونه	نسل های مورد مطالعه
زیر مجموعه آلفا = ۰/۰۵				
گروه همگن سوم	گروه همگن دوم	گروه همگن اول		
		۲۴,۸۵	۱۰۰	متولدین نسل ۶۷ تا ۷۰
	۲۵,۲۶	۲۵,۲۶	۱۰۰	متولدین نسل ۵۸ تا ۶۷
	۲۵,۴۵	۲۵,۴۵	۱۰۰	متولدین نسل ۷۱ تا ۷۴
۲۶,۶۶	۲۶,۶۶		۱۰۰	متولدین نسل ۴۲ تا ۵۷
۲۸,۱۰			۱۰۰	متولدین نسل قبل از ۴۲

جدول ۶: تحلیل واریانس و معنی داری تفاوت میانگین متغیر ارزش ازدواج

ارزش ازدواج					
معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	جمع مربعات	
۰/۰۰۰	۸,۳۸۶	۱۷۴,۹۴۳	۴	۶۹۹,۷۷۲	بین گروه ها
		۲۰,۸۶۱	۴۹۵	۱۰۳۲۶,۱۸۰	درون گروه ها
			۴۹۹	۱۱۰۲۵,۹۵۲	جمع



شکل ۲: تفاوت میانگین نمرات ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه

همان گونه که توزیع درصدی پاسخ به عبارت های نگرش به ازدواج در بین گروه های نسلی پنج گانه نشان داد، میانگین نمره میزان موافقت با ارزش ازدواج در بین گروه های سنی تعریف شده، یکسان و برابر نبوده است. بیان کیفیت تفاوت بین میانگین نمره ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه در جدول ۵ نشان داده شده است. در جدول مربوطه، میانگین هر گروه در گروه همگن خود، به ترتیب از کم ترین به بیش ترین به صورت صعودی نمایش داده شده است. با توجه به مقایسه میانگین ها و ترتیب آن ها، متولدین نسل سال های ۶۷ تا ۷۰ کم ترین نمره ارزش ازدواج (۲۴٫۸۵) و متولدین نسل قبل از سال ۴۲، بیش ترین نمره ارزش ازدواج (۲۸٫۱۰) را دارا می باشند.

توزیع نسل های مورد مطالعه در سه گروه همگن فوق بدان معنا است که نسل های مورد مطالعه در گروه اول از نظر ارزش ازدواج با همدیگر تفاوت قابل ملاحظه ای ندارند. اما از طرف دیگر، این نسل ها با گروه همگن دوم تفاوت دارند. نسل های مورد مطالعه در گروه همگن دوم نیز با همدیگر از نظر میانگین ارزش ازدواج تفاوتی نداشته اما با گروه همگن اول و سوم تفاوت دارند. گروه های مورد مطالعه در گروه همگن سوم با همدیگر به لحاظ میانگین ارزش ازدواج تفاوت نداشته، اما تفاوتی با گروه همگن اول و دوم دارند. نمودار ۴-۱ نیز تفاوت گروه های مورد مطالعه از نظر میانگین ارزش ازدواج را نشان می دهد.

نتایج جدول ۶ حاصل از آزمون فیشر (تحلیل واریانس) به منظور سنجش معنی داری تفاوت میانگین نمره ارزش ازدواج نسل های مورد مطالعه، نشان می دهد که بر اساس مقدار F محاسبه شده (۸٫۳۸۶)، مقدار تفاوت بدست آمده (sig= ۰/۰۰۰) در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. به عبارتی تفاوت میانگین نمره ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه به لحاظ آماری معنی دار است.

یافته های تبیینی

نتایج تحقیق نشان داد که تجربه جهانی شدن تأثیر منفی و معکوس و دینداری تأثیر مثبت و مستقیم بر ارزش ازدواج دارند و بین فردگرایی و ارزش ازدواج رابطه ای مشاهده نگردید. بیان کیفیت رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در جدول شماره مشاهده می شود.

جدول ۷: ضریب همبستگی و سطح معنی داری محاسبه شده بین متغیرهای مستقل و ارزش ازدواج

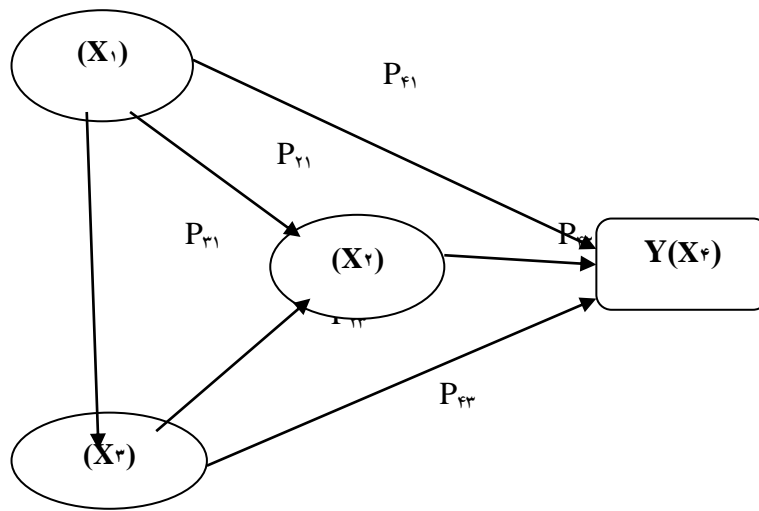
ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی	سطح معنی داری
۱	تجربه جهانی شدن	ارزش ازدواج	-.۳۶	.۰۰۰
۲	دینداری	ارزش ازدواج	.۲۱	.۰۰۰
۳	فردگرایی	ارزش ازدواج	.۰۲	.۳۰۸

بر اساس نتایج حاصل از جدول و ضریب همبستگی محاسبه شده $r = -0.359$ و سطح معناداری بدست آمده ($\text{sig} = 0.000$) می توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۱ درصد، بین تجربه جهانی شدن و ارزش ازدواج رابطه وجود دارد. از طرفی، تأثیر این رابطه به صورت معکوس (منفی) است. به عبارتی با افزایش تجربه جهانی شدن، ارزش ازدواج کم شده است. افرادی که بیشتر در معرض تجربه جهانی شدن (استفاده از اینترنت و ماهواره) هستند، ارزش ازدواج در بین آنها کاهش یافته است. بر اساس نتایج حاصل از جدول و ضریب همبستگی محاسبه شده $r = 0.21$ و سطح معناداری بدست آمده ($\text{sig} = 0.000$) می توان گفت که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۱ درصد، بین دینداری و ارزش ازدواج رابطه وجود دارد. از طرفی، تأثیر این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) است. به عبارتی با افزایش دینداری، ارزش ازدواج تقویت شده است. افرادی که دیندارتر هستند، نمره ارزش ازدواج بالایی دارند.

لیکن، بین فردگرایی و ارزش ازدواج، با توجه به سطح معنی داری بدست آمده ($\text{sig} = 0.308$) رابطه معنی داری در هیچ سطحی از خطا (کوچک تر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱) قابل مشاهده نیست و مقدار همبستگی بدست آمده نیز ($r = 0.022$) نشان می دهد بین دو متغیر فردگرایی و ارزش ازدواج همبستگی وجود ندارد.

تحلیل مسیر عوامل تأثیر گذار بر ارزش ازدواج

در این بخش هدف این است تا با وارد کردن همزمان متغیرهای مستقل (تجربه جهانی شدن، دینداری و فردگرایی) در دستگاه رگرسیونی، تفاوت تأثیر این متغیرها بر ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه بررسی و ارزیابی شود. هدف از ارائه مدل تحلیلی عوامل تأثیر گذار بر ارزش ازدواج، بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل (دینداری، تجربه جهانی شدن و فردگرایی) بر متغیر وابسته ارزش ازدواج در بین نسل های مورد مطالعه است. به عبارتی قصد محقق بر این است تا نشان دهد چه میزان از مقدار واریانس تبیین شده متغیر وابسته (ارزش ازدواج) در بین نسل های مورد مطالعه، مربوط به تجربه جهانی شدن است و چه میزان مربوط به دینداری و فردگرایی است.



شکل ۳: مدل تحلیلی تبیین ارزش ازدواج

جدول ۸: تحلیل مسیر و ضرایب مسیر عوامل تأثیر گذار بر ارزش ازدواج در نسل های مورد مطالعه

F*	R ²	ضریب مسیر						نسل
		P _{۳۱}	P _{۳۳}	P _{۲۱}	P _{۲۲}	P _{۴۱}	P _{۴۳}	
								نسل متولدین قبل از ۴۲
		.۱۰	-.۰۳	-.۱۸	.۱۴	.۰۳	-.۰۶	مقدار
		۱,۰۱	-.۳۳	-۱,۸۴	۱,۴۴	.۳۶۸	.۶۸۱	t*
		.۳۱۵	.۷۳۷	.۰۶۸	.۱۵۲	.۷۱۴	.۴۹۸	معنی داری
								نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷
		-.۱۰	-.۰۱	-.۱۶	.۰۴	.۳۶	-.۲۰	مقدار
		۱,۰۵	-.۱۸	-۱,۶۶	.۴۲۶	۳,۹	۲,۲۵	t
		-	.۸۵۱	.۰۹۹	.۶۷۱	.۰۰۰	-	معنی داری
		.۲۹۴					.۰۲۷	
								نسل متولدین ۵۸ تا ۶۷
		-.۲۱	.۱۵	-.۳۴	.۰۹	.۲۲	-.۴۰	مقدار
		۲,۱۵	۱,۴۸	-۳,۶۶	۱,۰۱	۲,۳۱	۴,۳۷	t
		-	.۱۴۰	.۰۰۰	.۳۱۴	.۰۲۳	-	معنی داری
		.۰۳۴					.۰۰۰	
								نسل متولدین ۶۷ تا ۷۰
		-.۰۴	.۰۹	-.۳۲	.۰۹	.۲۱	-.۲۶	مقدار
		.۴۳۱	.۹۳۷	-۳,۳۸	۱,۸۶	۴,۲۶	۵,۵۲	t
		-	.۳۳۳	.۰۰۱	.۰۶۳	.۰۰۰	-	معنی داری
		.۶۶۷					.۰۰۰	
								نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴
		-.۱۹	-.۱۰	-.۳۰	.۰۸	.۱۸	-.۳۱	مقدار
		۱,۹۰	-۱,۰۴	-۳,۱۱	۱,۷۴	۳,۸۳	-۶,۶	t
		-	.۳۰۱	.۰۰۲	.۰۸۲	.۰۰۰	.۰۰۰	معنی داری
		.۰۵۹						

نتایج حاصل از تحلیل مسیر متغیر ارزش ازدواج در جدول ۸ نشان می دهد که ضریب مسیر P_{۳۱} که نشان دهنده تأثیر دینداری بر جهانی شدن طبق مدل تحلیلی ازدواج (شکل ۳) است، برای نسل های متولدین سال های قبل از ۴۲ و نسل متولدین سال های ۴۲ تا ۵۷ ضریب P_{۳۱} به ترتیب به مقدار ۰.۱ و ۰.۱- قابل اغماض و غیرمعنی دار است. این در حالی است که برای نسل متولدین ۵۸ تا ۶۷ و نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴ ضریب P_{۳۱} به ترتیب به مقدار ۰.۲۱- و ۰.۱۹- معنی دار است. جهت تأثیر هم منفی و معکوس است. بدین معنا که هرچه دینداری بیشتر، تجربه جهانی شدن کمتر می شود. احتمالاً این به این علت بوده است که در نسل های ذکر شده

تجربه جهانی شدن بیشتر خود را نشان داده است. در نسل های قبل از انقلاب، جهانی شدن این قدر تقویت نشده بود تا رابطه اش با دینداری مشخص گردد. ضریب مسیر P_{23} که نشان دهنده تأثیر تجربه جهانی شدن بر فردگرایی طبق مدل تحلیلی ازدواج (شکل ۳) است، با توجه به ضریب P_{23} بدست آمده برای تمام نسل ها، قابل اغماض و غیر معنی دار است به عبارتی در هیچ کدام از نسل ها بین تجربه جهانی شدن و فردگرایی رابطه ای مشاهده نمی شود. ضریب مسیر P_{21} که نشان دهنده تأثیر دینداری بر فردگرایی طبق مدل تحلیلی ازدواج (شکل ۳) است، با توجه به ضریب P_{21} در نسل متولدین قبل از سال ۴۲ به مقدار -۰.۱۸ ، در نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷ به مقدار -۰.۱۶ ، در نسل متولدین ۵۸ تا ۶۷ به مقدار -۰.۳۴ ، در نسل متولدین ۶۷ تا ۷۰ به مقدار -۰.۳۲ و در نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴ به مقدار -۰.۳۰ معنی دار است. جهت تأثیر هم منفی و معکوس است، بدین معنا که هر چه دینداری بیشتر شده است، فردگرایی کمتر شده است. البته در سه نسل آخر این تأثیر بیشتر شده است. این بدین علت می تواند باشد که فردگرایی در نسل های قبل چندان مهم و قابل بررسی نیست و در چند دهه اخیر است که فردگرایی در خانواده رشد داشته است و رابطه اش با دینداری معنا پیدا کرده است.

ضریب مسیر P_{42} که نشان دهنده تأثیر فردگرایی بر ارزش ازدواج (متغیر وابسته) طبق مدل تحلیلی ازدواج (شکل ۳) است، با توجه به ضریب P_{42} بدست آمده برای تمام نسل ها، قابل اغماض و غیر معنی دار است به عبارتی در هیچ کدام از نسل ها بین فردگرایی و ارزش ازدواج رابطه ای مشاهده نمی شود یا به عبارت ساده تر در هیچ کدام از نسل های مورد مطالعه، تأثیر و رابطه فردگرایی و ارزش ازدواج مشاهده نمی شود.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر متغیر ارزش ازدواج در جدول ۸ نشان می دهد که ضریب مسیر P_{41} که نشان دهنده تأثیر دینداری بر ارزش ازدواج طبق مدل تحلیلی ازدواج (شکل ۳) است، برای نسل متولدین سال های قبل از ۴۲ ضریب P_{41} به مقدار ۰.۳۰ قابل اغماض و غیر معنی دار است. این در حالی است که برای نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷، برای نسل متولدین ۵۸ تا ۶۷، برای نسل متولدین ۶۷ تا ۷۰ و برای نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴ به ترتیب ضریب P_{41} به ترتیب به مقدار ۰.۳۶ و ۰.۲۲ و ۰.۲۱ و ۰.۱۸ معنی دار است. جهت تأثیر هم مثبت و مستقیم است. بدین معنا که هر چه دینداری بیشتر می شود، ارزش ازدواج بیشتر می شود. در مقایسه بین نسل ها، تأثیر این رابطه در نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷ قویتر و شدیدتر از نسل های بعدی است. به عبارتی در نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷ ارزش ازدواج بیشتر تحت تأثیر دینداری است. این می تواند بدین معنا باشد که در این نسل ازدواج مبنای دینی داشته و ازدواج بر اساس باورها و آموزه های دینی شکل می گرفت ولی هر چه به نسل های بعدی نزدیک می شویم این تأثیر کم می شود، بطوری که در نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴ دینداری کمترین تأثیر بر ارزش ازدواج در مقایسه با دیگر نسل ها، بویژه نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷ را داشته است.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر متغیر ارزش ازدواج در جدول ۸ نشان می دهد که ضریب مسیر P_{43} که نشان دهنده تأثیر تجربه جهانی شدن بر ارزش ازدواج طبق مدل تحلیلی ازدواج (شکل ۳) است، برای نسل متولدین سال های قبل از ۴۲ ضریب P_{43} به مقدار ۰.۰۶ قابل اغماض و غیر معنی دار است. این در حالی است که برای نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷، برای نسل متولدین ۵۸ تا ۶۷، برای نسل متولدین ۶۷ تا ۷۰ و برای نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴ به ترتیب ضریب P_{43} به ترتیب به مقدار -۰.۲۰ و -۰.۴۰ و -۰.۲۶ و -۰.۳۱ معنی دار است. جهت تأثیر هم منفی و معکوس است. بدین معنا که هر چه تجربه جهانی شدن بیشتر می شود، ارزش ازدواج کم می شود. در مقایسه بین نسل ها هم می توان گفت که رابطه بین تجربه جهانی شدن و ارزش ازدواج در نسل متولدین قبل از ۴۲ و ۴۲ تا ۵۷ اصلاً معنا پیدا نمی کند، چرا که این نسل ها اصلاً جهانی شدن را تجربه نکرده اند. تجربه جهانی شدن در نسل های متأخر معنا پیدا کرده است، در چند دهه اخیر است که جهانی شدن تقویت شده است و نسل های اخیر بیشتر از نسل های دیگر جهانی شدن را تجربه کرده اند به نحوی که در این نسل ها ارزش ازدواج بیشتر متأثر از تجربه جهانی شدن است.

بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه ارزش ازدواج به عنوان یکی از ارزش های خانواده در بین نسل ها مدنظر بوده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که بالاترین سطح ارزش ازدواج مربوط نسل متولدین سال های قبل از ۴۲ که گروه سنی بالای ۵۰ سال را تشکیل داده اند، می باشد. به نظر می رسد در نسل های مربوط به پیش از انقلاب، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در حد قوی و در نسل انقلاب و جنگ، تاحدی متوسط و در نسل های بعد از انقلاب و جنگ که بیشتر از سایر نسل ها در معرض تجربه جهانی شدن و گسترش فناوری های اطلاعاتی بوده اند، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده و بطور کلی ارزش ازدواج پایین است. نتایج تحقیق نشان داد که دینداری تأثیر مثبت و مستقیم بر ارزش ازدواج دارد، بدین معنا که هرچه دینداری بیشتر می شود، ارزش ازدواج هم بیشتر می شود. در مقایسه بین نسل ها، تأثیر این رابطه در نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷ قوی تر و شدیدتر از نسل های بعدی است. به عبارتی در نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷ ارزش ازدواج بیشتر تحت تأثیر دینداری است. این می تواند بدین معنا باشد که در این نسل ازدواج مبنای دینی داشته و ازدواج بر اساس باورها و آموزه های دینی شکل می گرفت، ولی هرچه به نسل های بعدی نزدیک می شویم این تأثیر کم می شود، بطوری که در نسل متولدین ۷۱ تا ۷۴ دینداری کمترین تأثیر بر ارزش ازدواج در مقایسه با دیگر نسل ها، بویژه نسل متولدین ۴۲ تا ۵۷ را داشته است.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که تجربه جهانی شدن تأثیر منفی و معکوس بر ارزش ازدواج دارد. بدین معنا که هرچه تجربه جهانی شدن بیشتر می شود، ارزش ازدواج کم می شود. در مقایسه بین نسل ها هم می توان گفت که رابطه بین تجربه جهانی شدن و ارزش ازدواج در نسل متولدین قبل از ۴۲ و ۴۲ تا ۵۷ اصلاً معنا پیدا نمی کند، چرا که این دو نسل، اصلاً جهانی شدن را تجربه نکرده اند. تجربه جهانی شدن در نسل های متأخر معنا پیدا کرده است، در چند دهه اخیر است که جهانی شدن تقویت شده است و نسل های اخیر بیشتر از نسل های دیگر جهانی شدن را تجربه کرده اند، به نحوی که در این نسل ها ارزش ازدواج بیشتر متأثر از تجربه جهانی شدن است.

نسل به معنای دارا بودن تجربیات تاریخی و تجربه زیسته مشترک است. حوادث و اتفاقاتی از قبیل انقلاب، جنگ، انقلاب اطلاعاتی، توسعه سیاسی، اصلاحات ارضی و ... از جمله تجربیات نسل ها بشمار می روند که وقوع چنین حوادث و رویدادهایی بر ذهن و نگرش اعضای نسل تأثیر گذاشته و اعضای نسل با تأثیرپذیری از چنین اتفاقات و رویدادهایی، ابعاد زندگی خود را تعریف و باز تعریف کرده و سامان می دهند. بر این اساس در ایران، رویدادها و حوادث تاریخی که به برخی از آنها اشاره شد، باعث شکل گیری نسل های متفاوت تاریخی شده است. دوره های تاریخی در ایران نشان می دهد که رویدادها و حوادث، تاریخ ایران را به چند دوره متفاوت تقسیم کرده است. در سال ۴۲ وقوع اتفاقاتی نظیر اجرای برنامه اصلاحات ارضی به تولید و بازتولید نسلی انجامید که در آن زمین، کار و تولید - که همگی تجلی ارزش های خانواده گسترده بودند- به عناصر ارزشمندی تبدیل شوند. در چنین نسلی «خانواده گسترده» اهمیت داشته و ازدواج بر پایه برخی سنت ها و تعهدات و الزامات و بصورت قانونی و رسمی انجام می شده است. ازدواج ها تصمیم اقتصادی بودند تا عاطفی، و الزامات اقتصادی عامل ازدواج بودند. بعد از این سال ها و همراه با رویدادهای قبل، از سوی دیگر اجرای سیاست های فرهنگی رژیم سابق را شاهد هستیم که زمینه را برای شکل گیری انقلاب اسلامی مهیا می کند. این شرایط منتج به نسلی می شود که تحت تأثیر فضای انقلاب همسو با ارزش های خانواده و ازدواج است. انقلاب اسلامی سال ۵۷ در ایران نقطه عطف دیگری در تاریخ ایران است که با وقوع خود، نسلی را با خود به همراه می آورد که بر ارزش های فرهنگی و خانوادگی تأکید دارد و بویژه در سال های اول بعد از وقوع انقلاب، این تأکید شدید بوده و رفتارها و نگرش ها تحت تأثیر باورهای دینی و مذهبی بوده است. اما با اتمام جنگ شاهد شکل گیری نسلی هستیم که مشخصه اصلی آن تجربه جهانی شدن است. این نسل که متولدین سال های بعد از ۶۷ را شامل می شود به شدت در معرض جهانی شدن، رسانه ها و ارتباطات جهانی قرار گرفته اند. در این دوره است که جهانی شدن تقویت می شود، استفاده از اینترنت در این نسل افزایش می یابد

و شمار استفاده کنندگان از شبکه های ماهواره ای هر روز بیشتر می شود. بطوریکه در ایران از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۹۲ شمار استفاده کنندگان از شبکه های ماهواره ای از یک درصد به هفتاد و چهار درصد می رسد. این رویدادها و تجربیات تاریخی مشترک این امکان را به نسل خود می دهد که متفاوت از نسل های دیگر به مقولاتی چون خانواده و ازدواج ببیند.

تغییر خانواده و ارزش های آن، همواره مورد توجه اندیشمندان و محققان جهان و ایران بوده است، چرا که خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است. در سراسر جهان، خانواده همراه با دیگر دگرگونی ها و تغییرات گسترده اجتماعی و تکنولوژیکی، تغییر کرده است. شدت و دامنه این تغییر در برخی جوامع به اندازه ای بوده است که برخی از صاحب نظران حوزه خانواده از لفظ «تغییر خانواده» صرف نظر کرده و «زوال خانواده» را اعلام کرده اند. شدت تغییر خانواده در برخی جوامع بالا و در برخی جوامع این تغییر به آرامی شروع شده، اما با سرعت بالا در حال پیشرفت است. یکی از عناصر و ارزش های خانواده که بیش از سایر ارزش های خانواده در معرض دگرگونی و تغییر شکل بوده و هست، ازدواج است. در بسیاری از جوامع غربی ازدواج شکل و معنای سنتی خود را از دست داده و اشکال جدیدی به خود گرفته است. الگوی واحد ازدواج سنتی که بر اساس یک سری از تعهدات طرفین شکل می گرفت و در چهارچوب قانونی و عرفی مشخصی انجام می گرفت، جای خود را به الگوهای ازدواج و زندگی مشترک متنوع داده است. در بسیاری از جوامع غربی زوج زیستی (زندگی مشترک زن و مرد خارج از ازدواج رسمی) در میان زنان و مردان جوان رواج دارد و هرچه از جنوب به شمال اروپا نزدیک می شویم بر شدت آن افزوده می شود. میزان ازدواج در بسیاری از جوامع کاهش چشمگیری داشته و در عوض سن ازدواج افزایش قابل ملاحظه ای پیدا کرده است. برخی همچون لستهاق و ون دوکا، این تغییرات را به گذار جمعیتی دوم نسبت داده اند، که دامنه این گذار جمعیتی برخی جوامع پیرامونی از جمله ایران را نیز تاحدودی در بر گرفته است. مناسبت تئوری گذار جمعیتی دوم با وضعیت جامعه ایران با الزاماتی همراه است، هر چند که برخی تغییرات خانواده از جمله تغییر ارزش ازدواج و فرزندآوری و بالارفتن سن ازدواج را بر اساس آن می توان تحلیل و تبیین کرد.

پس از شکل گیری انقلاب اسلامی در ایران تغییر و دگرگونی در ساختارها و نهادهای اجتماعی همواره تابع دو نیرو و عامل درونی و بیرونی بوده است. از یک سو عناصر و ارزش های ناشی از ارتباط با غرب به مثابه نیروی بیرونی و تأثیرگذار، فرهنگ و عناصر فرهنگی و نظام های ارزشی را تحت تأثیر قرار داده است و از سوی دیگر با تکیه بر نیروهای درونی و عناصر بومی و فرهنگی، جامعه ایران سعی در مقاومت در برابر فشارهای بیرونی از جمله غربی شدن داشته است. در انقلاب اسلامی سخن این بود که دولت زیاد از حد در مسیر غربی شدن حرکت کرده است و ارزش های فرهنگی و اصیل و بومی به واسطه ارتباط با غرب و افتادن در مسیر غربی شدن دچار فروپاشی شده اند. باور بسیاری از اندیشمندان هم این است که انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی و بر سر افول ارزش هایی چون ناموس و حجاب و حیا اتفاق افتاده است. نیروهای مؤثر در انقلاب اسلامی ایران، علی رغم اختلافات در هدف و روش، در اینکه دولت با اقدامات فرهنگی به بیراهه می رود با همدیگر ائتلاف داشتند و دولت پهلوی را از لحاظ فرهنگی وابسته به غرب می پنداشتند. البته علی رغم وجه محلی گرایانه ای که انقلاب اسلامی به خود گرفت ارتباط با غرب قطع نشد و عناصری از گذشته ایران در کنار عناصری از غرب و مدرنیته غربی قرار گرفتند. لذا نوعی وضعیت «ایرانی - جهانی» یا «ایرانی - غربی» که شکل های خاصی از بومی - غربی هستند، بوجود آمد.

بنابراین تغییر ارزش ها ازدواج در ایران پس از انقلاب اسلامی را بر اساس دیالکتیک عوامل درونی و بیرونی می بایست فهم و تفسیر کرد. انقلاب اسلامی ایران، نمودی از تئوری بومی - غربی شدن بود که به واسطه آن تغییراتی را در نهادهایی چون خانواده شاهد هستیم. تغییراتی که گاهاً متفاوت از آن چیزی است که در غرب اتفاق می افتد. تغییرات در ارزش های خانواده غربی همواره برخاسته از یک نیروی درونی و در مقایسه با جوامع تأثیرپذیر، کمتر در مواجهه با نیروهای بیرونی بوده است، چرا که منبع تغییر در خانواده های غربی، خود کشورهای تأثیرگذار بوده اند. اما تغییر در ارزش های خانواده ایرانی از آن رو متفاوت از جوامع غربی

است که این تغییرات یک پایش در کشورها و جوامع تأثیرپذیر است و یک پایش در کشورهای تأثیرگذار. یعنی درک تغییر ارزش های خانواده در ایران و تبیین این تغییر و دگرگونی بدون توجه به این فرآیند تغییر ناممکن و بی فایده است. همان گونه که گفته شد انقلاب اسلامی در ایران بر اساس ارزش های فرهنگی شکل گرفت و تلاش داشت مسیر فرهنگی ایران را به مسیر واقعی و اصیل خود بازگرداند. خانواده اهمیت زیادی پیدا کرد و بر ارزش های تشکیل دهنده آن تأکید فراوان شد. اهمیت یافتن ازدواج به عنوان تنها راه مشروع پاسخ به نیازها و روابط جنسی اهمیت یافت و اشکال دیگر روابط جنسی نفی گردید. واکنش انقلاب اسلامی ایرانی به فرایند بومی غربی شدن، نمی توانست یک واکنش بومی گرایی بنیادگرایانه باشد، هر چند در زمان کوتاهی این هدف دنبال می شد، لیکن در اثر تجربه جهانی شدن و گسترش ارتباطات جهانی، نسل های بعد از انقلاب جهانی شدن را تجربه کردند. به نظر می رسد این ارتباط از نوع غرب گرایی افراطی که در نظام پیشین وجود آمده بود هم نمی توانست باشد. ارتباط با غرب از نوع ایرانی جهانی شد. عناصری از فرهنگ غرب وارد فرهنگ ایرانی شد اما واکنش، تسلیم محض یا طرد کامل نبود.

لذا می توان تغییرات اتفاق افتاده را حاصل ادامه ارتباط با غرب دانست. تجربه جهانی شدن در بین برخی گروه های اجتماعی زمینه را برای دگرگونی ارزش های خانواده از جمله ازدواج فراهم ساخت. استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی دیگر توانست افراد را با تجربه های زندگی در دیگر نقاط جهان مواجه کند. فردگرایی فزاینده، خانواده ها را با تحول بزرگی روبرو کرد. اشتغال زنان همراه با تحصیلات آنان یکی از عوامل موثر بر تغییر ارزش ازدواج بوده است.

تجربه جهانی شدن روابط اجتماعی در چند دهه اخیر در ایران نشان می دهد که برخی گروه های اجتماعی از قبیل طبقات متوسط، روشنفکران، گروه های اجتماعی شهری حتی کارگران و کشاورزان و دیگر گروه های روستایی، آگاهی فزاینده ای نسبت به رخدادها و جریان های زندگی اقصی نقاط جهان پیدا کرده اند. افزایش آگاهی منجر به افزایش سطح توقعات و انتظارات آنها شده است. جهانی شدن روابط اجتماعی و استفاده روزافزون از برخی رسانه های نوظهور که خاصیت شبکه ای داشته است، سطح توقعات گروه های اجتماعی از زندگی بویژه زندگی شهری را بیش از پیش افزایش داده است و بر این اساس، توقعات گروه های خانواده های شهری در کنار توجه به کیفیت زندگی بر اثر همین تجربه بالا رفته است. هر چند در مقایسه با دیگر گروه های اجتماعی، طبقات متوسط شهری، بیشتر در معرض این تجربه جهانی قرار داشته اند. اما در سال های اخیر موج تجربه جهانی شدن، حتی به سمت گروه های اجتماعی دیگری چون روستائیان و طبقات پایین جامعه نیز کشیده شده است. گرایش به استفاده و تماشای برنامه های شبکه های برنامه های شبکه های ماهواره ای در چند سال اخیر در بین مردم، گویای این موضوع است. نتیجه اینکه در نسل های قبل از انقلاب اسلامی که فرصت تجربه جهانی شدن را نداشتند و ایران به عنوان یک کشور پیرامونی [۱۰] هنوز وارد فرایند جهانی شدن نشده بود، ارزش ازدواج متأثر از تجربه جهانی شدن نیست و بیشتر تحت تأثیر دینداری است. اما نسل های بعد از انقلاب اسلامی جهانی شدن در ایران تقویت شده و نسل های بعد از انقلاب به در معرض جهانی شدن و رسانه ها بوده اند که همین تجربه جهانی شدن توانسته بر ارزش ازدواج این نسل ها تأثیر بگذارد.

پی نوشت ها

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------------|
| 1. Marriage value | 6. Participatory nuclear family |
| 2. Globalization | 7. Probability Proportional to size |
| 3. Cohabitation | 8. Survey |
| 4. Family value | 9. Cross Sectional |
| 5. Complementary nuclear family | 10. Peripheral |

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). طبیعت نظام ارزشی ایران: مادی، فرامادی و یا تلفیقی؟ **نامه پژوهش فرهنگی** (فصلنامه تحقیقات فرهنگی)، سال هشتم شماره ۱۰.

۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**. ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۳. اینگلهارت رونالد و پل آر آبرامسون (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی، ترجمه شهناز شفیع خانی. **نامه پژوهش**، شماره ۱۵-۱۴.
۴. بیرو، آلن (۱۳۶۶). **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۵. برناردز، جان (۱۳۹۰). **درآمدی به مطالعات خانواده**، ترجمه حسین قاضیان، تهران: انتشارات نی.
۶. بک گرنسهایم، الیزابت (۲۰۰۲). **خانواده در جهان امروز**، ترجمه افسر افشار نادری و بیتا مدنی (با مقدمه باقر ساروخانی)، تهران: نشر نی.
۷. تاجداری، علیرضا (۱۳۸۶). «خاستگاه های اجتماعی و گفتمان های نیروهای سیاسی در انقلاب مشروطه و اسلامی»، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی: بررسی و نقد رهیافت های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظریات مانهایم و بوردیو، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۷.
۹. حسین بیگی، مریم (۱۳۸۳). بررسی رابطه اینترنت و شکاف ارزشها در بین دو نسل (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و والدین آنها)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۰. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵). **جهانی شدن: بررسی تنوریهای اجتماعی و فرهنگی**، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
۱۱. سیف الهی، سیف اله، رازقیان، آناهیتا (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی: تهران)، **پژوهش نامه علوم اجتماعی**، سال دوم، شماره سوم.
۱۲. سرایی، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، **نامه انجمن جمعیت شناسی ایران**. شماره ۲.
۱۳. _____ (۱۳۸۷). گذار جمعیتی دوم؛ با نیم نگاهی به ایران، **نامه انجمن جمعیت شناسی ایران**، شماره ۳.
۱۴. سرایی، حسن و تاجداری، علیرضا (۱۳۸۹). گفتمان چپ اولیه در ایران: اندیشه های جهانی در بستر ایرانی، **جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی** سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۸۹.
۱۵. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۰). **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۶. واخ، یواخیم (۱۳۸۷). **جامعه شناسی دین**، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: انتشارات سمت.
17. Abbasi-Shavazi, M.J & McDonald, R (2008). Family change in Iran: Religion, revolution, and the state international family change: ideational perspectives / [edited by] Rukmalie Jayakody, Arland Thornton, and William Axinn. Taylor & Francis Group, 270 Madison Avenue, New York, NY 10016.
18. Abramson. Paul and Inglehart. R (1992). Generational Replacement-and value change in Eight west European societies. *British journal of political science* 22: 183- 228.
19. Bernardes, Jon, (1993). Responsibilities in studing postmodern families, *Jornal of Family issues*, 14- 35.
20. Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*, in: J.G. Richardson (ed.): *Handbook for Theory and Research for the Sociology of Education*, pp. 241 – 258.
21. Oinonen, Eriikka (2008). *Families in converging Europe: A comparison of forms, structures and ideals*. New York, Palgrave Macmillan.
22. Papenoe, David (2005). *War over the Family*. Transaction Publishers.